

ایمیل صفحه آخر: saftehkhakar@shahrvand-newspaper.ir

تقویم تاریخ

خرداد
■ اخراج روسیه از جامعه ملل به دلیل حمله نظامی این کشور به فنلاند (۱۹۳۹ میلادی)
■ تأسیس کمیساری عالی سازمان ملل برای پناهندگان با هدف محافظت و حمایت از پناهندگان (۱۹۵۰ میلادی)
■ آغاز ساخت بزرگترین سد جهان روی رودخانه یانگ تسه در چین (۱۹۹۴ میلادی)
■ پرتاب کفش به سمت جورج دلبویوش رئیس جمهوری سابق ایالات متحده در یک کنفرانس خبری در بغداد توسط منتظرالزیدی خیرنگار شبکه البغدادیه عراق (۲۰۰۸ میلادی)

طلوع
■ نوستراداموس - عطار و پیشگوی فرانسوی، صاحب پیشگویی های بسیار از حوادث و جنگ های آینده (۱۵۰۳ میلادی)
■ تیکو براهه - منجم دانمارکی، از طرفداران نظریه مرکز جهان بودن زمین (۱۵۴۶ میلادی)
■ جرجی زیسدان - تاریخ نگار، داستان نویس و روزنامه نگار لبنانی، نویسنده ۲۳ رمان تاریخی و مؤسس نشریه الهلال (۱۸۶۱ میلادی)
■ راج کاپور - از بزرگترین ستارگان سینمای هند، نقش آفرین در فیلم هایی چون: سنگام، اسم من دلگه، آواره (۱۹۲۴ میلادی)

غروب
■ جرج واشنگتن - از مهمترین چهره های تاریخ ایالات متحده آمریکا و اولین رئیس جمهوری این کشور (۱۷۹۹ میلادی)
■ ویسنته آله ایخاندرو - شاعر برجسته متولد کشور اسپانیا، برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۷۷ برای کلیه آثار (۱۹۸۴ میلادی)
■ آندره ساخاروف - فیزیکدان هسته ای و برنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۷۵ میلادی، پدر بمب اتمی شوروی (۱۹۸۹ میلادی)
■ پیتر اوتول - بازیگر انگلیسی، نقش آفرین در آثاری چون لورنس عربستان، شب زنرال ها، گازیورویال (۲۰۱۲ میلادی)



مسئودسازی مرز طولانی میان ایالات متحده و مکزیک بایک دیوار غیر قابل نفوذ، باعث شده است بسیاری از خانواده های مکزیک که اعضایشان در دو سوی مرز زندگی می کنند از دیدار یکدیگر محروم شوند. تصویر این دخترک مکزیک کی کنار دیوار حال حاضر مرزی نشانه ای از این جد افتادگی است. عکس: هاریکامار تینز / AFP

موسسه مطالعاتی «حامیان فردا» با مشارکت دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف برگزار می کند:

کارگاه های مهارت افزایی مدیریت سازمان های مردم نهاد (چهارمین دوره)

دانشگاه شریف پاییز و زمستان ۹۶
ظرفیت هر کارگاه: ۲۵ نفر
زمان هر کارگاه: ۵ تا ۱۶ ساعت

اطلاعات بیشتر و ثبت نام: ۰۲۱-۷۷۹۴۴۳۹۷

پاپ و کاسترو

سال ها قبل پاپ ژان پل دوم طی دیداری با فیدل کاسترو رهبر کوبا از باب ارشاد و نصیحت به او گفت: «با شما به کلیسا ایمان دارید؟» فیدل با زیرکی جواب داد: «با شما خود به خداوند ایمان دارید؟» پاپ که از این پاسخ جا خورده بود چند لحظه سکوت کرد و گفت: «مردم عادی به خداوند ایمان دارند، چطور ممکن است من در مقام جانشین عیسی کاسترو گفت: «خیال من راحت شد زیرا به خاطر سکوت شما در برابر تجاوزات نظامی آمریکا در گوشه و کنار جهان و کشتار انسان ها و نشان ندان و اکتش در برابر این جنایات و عدم حمایت از مظلومین جهان تصور می کردم شما بی خدا هستید!» پاپ که از سخنان کاسترو برآشفته شده بود و این عبارات را توهین به خود و پیروان کلیسای کاتولیک تلقی می کرد خواست جلسه ملاقات با کاسترو را ناممکن کند اما کاسترو او را به تحمل و نشستند دعوت کرد و خطاب به او گفت: «اگر شما خود را نماینده عیسی مسیح در زمین می دانید و معتقد هستید میلیون ها نفر در جهان پیرو دارید و بسیاری از رهبران جهان و جمله رئیس جمهوری آمریکا و مقامات این کشور به شما ایمان دارند و جایگاه شما را تقدیس می کنند، از آن ها بخواهید هزینه های جنگی را کنار گذاشته و در مبارزه با فقر و نجات انسان ها به کار بگیرند!» پاپ جواب داد: «کلیسا در سیاست دخالت نمی کند» و در اینجا کاسترو تیر خلاص را شلیک کرد و خطاب به پاپ گفت: «اگر کلیسای کاتولیک با میلیون ها نفر پیرو در سیاست دخالت نمی کند و کاری به سرنوشت مردم و بلای که امپریالیسم غرب و سرمایه سالاران بر سر فقر و کشورهای جهان سوم می آورند ندارد، پس چنین کلیسایی یک نقش فانتزی و تشریفاتی دارد و چیزی شبیه تشریفات جشن سال نو و یا هالووین و روز شکرگزاری و امثال آن است و چنین کلیسایی چه کار به ایمان من دارد؟! البته که من به چنین کلیسایی ایمان ندارم از راه اهل تشریفات و مراسم فانتزی نیستیم!» پس از این ملاقات پاپ ژان پل دوم در بازگشت به رم خطاب به خبرنگاران گفت: «اگر چه کاسترو به کلیسا ایمان ندارد، اما به تصور من از انسان های مسود توجه خداوند است»

این شرح بی نهایت

خشم از شیطان و شیطان از آتش آفریده شده و آتش با آب خاموش می شود، پس هر گاه یکی از شما به خشم آمد، وضو بگیرد.

حضرت محمد (ص)

فتراک عشق

اگر یک بار زلف یسار از رخسار برخیزد هزاران آه مشتاقان ز هر سو زار برخیزد و گر غمزه اش کمین سازد دل از جان دست بکشاند و گر زلفش بر آشوبد ز جان زنهار برخیزد چو رویش برده بکشاید که و صحرا به رقص آید چو عشقش روی بنماید خرد ناچار برخیزد صبا گر از سر زلفش به گورستان برد بویی ز هر گوری دو صد بی دل ز بوی یار برخیزد نسیم زلفش از ناگه به ترکستان گذر سازد هزاران عاشق از سقسسین و از بلغار برخیزد نوای مطرب عشقش اگر در گوش جان آید ز کویش دست بکشاند قلندروار برخیزد چو یاد او شود مونس ز جان آندوه بنشیند چو اندوهش شود غم خور ز دل تیمار برخیزد دلایی عشق او منشین ز جان برخیز و سر در باز چو عیاران مکن کاری که گرد از کار برخیزد درین دریا فگن خود را مگر دری به دست آری کزین دریای بی پایان گهر بسیار برخیزد و گر موجیت بریاید، زهی دولت، تو را آن به که عالم پیش قدر تو چو خدمتکار برخیزد حجاب ره تویی برخیز و در فتراک عشق او بیز که بی عشق آن حجاب تو ز ره دشوار برخیزد عراقی، هر سحر گاهی بر از سوز دل آهی ز خواب این دیده بخت مگر یک بار برخیزد عراقی

نفس عمیق

آنچه خود داشت...

که برای رسیدن به این احساس، باید مشقت ها و سختی های زیادی را تحمل کنیم. تارک دنیا شویم یا نقطه ای دنج و سساکت پیدا کنیم و در انزوی خود به آرامش برسیم. دوستانی دارم که برای دست یافتن به آرامش به کوه های هیمالیا سفر می کنند و در شرایط نامساعد آب و هوا و تغذیه، خود را اسالک آرامش می دانند. آنها بر این باورند که برای رسیدن به صلح درون باید سختی کشید و این سختی هر قدر بیشتر باشد، احساس به دست آمده عمیق تر خواهد بود. در واقع با آزار جسمی و روحی خود در پی کشف آرامش هستند، اما واقعیت اینجاست که نیازی به این همه رنج و دشواری نیست. تنها باید در لحظه با کاری که انجام می دهیم، همراه بوده، به عمل خود آگاه باشیم. بسیاری از کارها و رفتارهای ما در چرخه عادت افتاده اند و ما همانند یک ماشین و ریات این اعمال را انجام می دهیم. افکار ما در آن لحظه و در آن مکان حضور ندارند. یاد حسرت گذشته اند یاد نگرانی و هراس از آینده غوطه ور هستند. در چنین شرایطی چگونه می توان انتظار آرامش را داشت. آرامش نه با گذشته پیوندی دارد و نه با آینده. آرامش و لحظه اکنون یکی هستند. به محض این که خود را در همین لحظه می یابید، آرامش نیز در کنار شماست. اگر به افکاری که مدام در آموشد به گذشته و آینده هستند، فقط به عنوان یک فکر نگاه کنید و با آنها همراه نشوید، آنگاه مجال برای زمان اکنون به وجود می آید که در آن خوشنودی را در وجود خود درک خواهید کرد. آرامش پیشاپیش در وجود ما خانه دارد، تنها باید به خود فرصتی بدهیم تا رنگ آبی آن را از میان تیرگی های افکار خود مشاهده کنیم.

فوکوس

۱۲۲ سال پیش، برابر با چهار دهم دسامبر ۱۸۹۵ میلادی، جرج ششم با نام کامل آلبرت فردریک آرتور جرج (پادشاه بریتانیا از ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۲ میلادی)، در نورفک به دنیا آمد. او پیش از بر تخت نشستن عنوان پرنس آلبرت، دوک یورک را داشت و پس از کناره گیری برادرش ادوارد هشتم از سلطنت جانشین او شد. جرج ششم در طول جنگ جهانی دوم شاه انگلستان بود و در بحبوحه میار آن های لندن در آنجا ماند و به سرکشی از مناطق آسیب دیده پرداخت که این کارش در تحسین مردم بریتانیا را در پی داشت. جرج ششم همچنین آخرین پادشاه انگلیسی است که عنوان «امپراتور» هند را داشت. هم اکنون دختر بزرگ او الیزابت دوم بر انگلستان سلطنت می کند.

